



پرسی عملیات روانی آمریکا در جنگ سوم خلیج فارس بر ضد عراق

مهندس حمید بهرامی - مدرس دانشکده افسری (علوم پایه به نظامی)

چکیده:

تاثیرگذاری بر افکار عمومی، ابزار اصلی حاکمان کشورها در روابط بین الملل است. مخاطبان عملیات روانی، آحاد مردم و نیروهای نظامی هستند. امروزه هزینه ها و فعالیت ها در این زمینه به مراتب پیچیده تر از گذشته شده است. هدف آمریکا در جنگ سوم خلیج فارس، کسب پیروزی سریع و قاطع در کمترین زمان بود. رهبران آمریکا برای تامین هدف خود، از عملیات روانی گسترده ای برای از هم پاشیدن شیرازه ی نظام اندیشه ی جنگی در کادر رهبری عراق و ایجاد ابهام در نحوه برداشت و درک آنها استفاده نمودند که در به شکست کشاندن ارتش عراق نقش موثری داشت.

جنگ سوم خلیج فارس به دلیل فقدان اقدام آشکار صدام و حکومت بعث عراق در نقض قوانین بین المللی، با بحران مشروعیت روبه رو شد. آمریکا برای افناع افکار عمومی و تقویت ائتلاف جنگ، موج وسیعی از عملیات روانی برای منفعل ساختن عراق از صحنه ی بین الملل و مخدوش نمودن چهره رهبران آن کشور اجرا کرد که موضع گیریهای سیاستمداران و رهبران آمریکایی در قالب جنگ روانی علیه عراق قابل توجه و ارزیابی است. رسانه های وابسته به دولت آمریکا با نظر سنجی، انتشار اطلاعات غلط و... نقش مهمی در تقویت عملیات روانی مطابق با اهداف رهبران آن کشور ایفا نمودند. استفاده از فرستنده های رادیویی و پخش اعلامیه بر فراز خاک عراق، بخش دیگری از عملیات روانی آمریکا محسوب می شود. مقاله حاضر به بررسی این عملیات در جنگ سوم خلیج فارس (۲۰۰۳) و در سه مبحث افکار عمومی آمریکا، افکار عمومی جهان و افکار عمومی عراق می پردازد.



واژه های کلیدی : جنگ ، جنگ روانی ، تبلیغات ، تهدید

مقدمه:

جنگ روانی را دست کاری عقاید از طریق به کارگیری یک یا چند رسانه‌ی ارتباطی دانسته‌اند. (حسینی، ۱۳۷۷، ص ۳)
برای « عملیات روانی » تعاریف متنوعی وجود دارد که در ذیل به دو مورد آن اشاره می شود :

عملیات روانی ، شامل سلسله فعالیتهای روان شناسانه‌ای می‌شود که در زمان صلح ، جنگ و بحران برای تأثیر گذاری بر نگرش و رفتار مخاطبان بی طرف ، خودی و دشمن طرح ریزی شده و در روند دست یابی به اهداف سیاسی و نظامی مؤثرند. (فرشچی ، ۱۳۸۲، ص ۹)

فعالیت‌های روانی و اعمال سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و ایدئولوژیکی که به منظور ایجاد زمینه‌ی مساعد در احساسات، حالات و رفتار گروههای مورد هدف (دوست، بی طرف، دشمن) به منظور نیل به هدفهای ملی طرح ریزی و اجرا می‌گردد. (متفکر، ۱۳۸۱، ص ۱۸)

با توجه به تعاریف فوق می‌توان نتیجه گرفت که :

عملیات روانی ، فعالیت برنامه ریزی شده برای تأثیر گذاری بر افکار و نگرش نیروهای دشمن ، خودی و بی طرف در جهت نیل به اهداف از پیش تعیین شده می‌باشد.

امروزه عملیات روانی به دلیل بهره گیری از تکنولوژی ارتباطات ، تأثیر فراوانی بر اندیشه ، فکر و نگرش مخاطبان حتی در خارج از مرزهای فیزیکی گذاشته و جایگاه ویژه ای یافته است.



پیوند نبرد نظامی و عملیات روانی علاوه بر ایجاد انگیزه در مردم برای پشتیبانی از جنگ و افزایش آمادگی نیروهای خودی می تواند اراده‌ی نبرد را در دشمن تضعیف و یا از بین ببرد. در جنگ آمریکا و متحدانش علیه عراق، طرفین به طور منظم از عملیات روانی بر ضد یکدیگر استفاده کردند که بی شک در نتیجه نهایی به دست آمده، بدون تأثیر نبوده است.

با فرو پاشی نظام دو قطبی جهان، استراتژی آمریکا از حالت باز دارندگی به حملات پیش گیرانه با هدف رهبری جهانی و سلطه بر جهان تغییر یافت. وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، روند صلح خاورمیانه، سلاحهای کشتار جمعی و خلاء متحد نزدیک در میان قدرتهای اصلی خلیج فارس (ایران، عراق، عربستان) و... از چالش های پیش روی آمریکا بعد از فرو پاشی نظام دو قطبی در جهان بود.

در سال ۱۹۹۰ صدام حسین، رئیس جمهور سابق عراق برای تسلط بر نفت کویت که ۹/۹۱ میلیارد بشکه و حدود ۱۰/۳ درصد ذخایر جهان تخمین زده می شود و با رؤیای تبدیل به قدرت برتر انرژی در منطقه ی خلیج فارس، کشور کویت را اشغال کرد. متعاقب آن نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکادر سال ۱۹۹۱ به اشغال این کشور خاتمه دادند. جنگ دوم آمریکا علیه عراق که به جنگ سوم خلیج فارس مشهور است، در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ برابرا با ۲۹ اسفند ماه ۱۳۸۱ آغاز شد و در بستر جنگ قبلی و پیامدهای ناشی از آن رشد و نمو یافت.

آمریکا با هدف کسب منافع بیشتر و حفظ برتری خود برای تداوم بخشیدن به رهبری جهانی و به بهانه یافتن سلاح های کشتار جمعی، سرکوب تروریسم و بر کناری صدام، عملیات نظامی خود را با شعارعراقی آزاد سازماندهی و اجرا نمود. اقبال عمومی مردم جهان در دهه های اخیر به مبارزه با تروریسم، حقوق بشر و برپایی نظام های مردم سالار از یک سو و فقدان مدارک موثق و اقدام آشکار نقض

قوانین بین‌الملل توسط صدام از سوی دیگر، باعث شد تا آمریکا برای مشروعیت بخشیدن به اقدام نظامی علیه عراق و افزایش تاثیر گذاری بر روند آن، فعالیت‌های تبلیغی گسترده‌ای را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی طرح ریزی و اجرا نماید. رسانه‌های آمریکا و متحدانش با القای این مطلب که وجود صدام به منزله‌ی تزلزل، عدم امنیت در منطقه، عامل عقب ماندگی کشور عراق و حامی تروریسم می‌باشد و با پردازش جهت دار اطلاعات آنگونه که مد نظر رهبران سیاسی آنان بود به تحریک، تهییج، تهدید و... افکار عمومی پرداخته و عملیات روانی علیه عراق را سازماندهی کردند.

حکام آمریکا برای تقویت ائتلاف علیه عراق و آماده سازی افکار عمومی مردم کشورشان برای تحمل هزینه های مالی و انسانی جنگ، همچنین تضعیف روحیه‌ی مقاومت نزد عراقی ها دست به عملیات روانی گسترده ای زدند. موضع گیریهای مقامات آمریکایی از زمان شروع بحران تا آغاز جنگ در قالب عملیات روانی قابل ارزیابی است؛ زیرا آنان با تهدید، تحریف و دادن اطلاعات غلط، رسانه ها و افکار عمومی را به سمت اهداف خود هدایت کردند.

هدف آمریکا از اجرای عملیات روانی همراه با درگیری نظامی، در هم شکستن توان رزمی نیروهای عراقی، از صحنه خارج کردن آنان برای کسب پیروزی سریع و قاطع با کمترین هزینه، اجماع جهانی برای مشروعیت بخشیدن به جنگ، استفاده از نیروهای ائتلاف برای کاهش تلفات و هزینه ها و همچنین آمادگی افکار عمومی آمریکا برای پذیرش پیامدهای بعدی ناشی از جنگ بود. همکاری جهانی برای ایجاد امنیت در قرن آتی و اعمال نفوذ و قدرت در بین متحدان و سازمان های بین المللی با در دست گرفتن رهبری یک ائتلاف موردی پیرامون هدفی خاص، در استراتژی آمریکا اهمیت ویژه ای دارد (ایزدی، ۱۳۸۰، صص ۱۸-۱۹)؛ لذا عملیات روانی و



دیپلماسی فعال این کشور برای اقناع افکار عمومی و سازمانهای بین المللی در جنگ سوم خلیج فارس جایگاه خاصی داشته که در سه محور افکار عمومی آمریکا، جهان و عراق بررسی خواهد شد.

۱- افکار عمومی آمریکا

افکار عمومی آمریکا در پشتیبانی نظامی آن، اهمیت فراوانی دارد و عموماً یا بسیار افراط گرایانه است که خواستار مداخله‌ی یک جانبه آمریکا در مسائل جهانی هستند و اقدامات نظامی را به عنوان اولین گزینه پیشنهاد می کنند و یا با هرگونه مداخله‌ی نظامی در مسائل جهان به دلیل پیامدهای بدی که ممکن است داشته باشد (مانند جنگ با ویتنام و ژاپن) مخالف هستند. نگرانی های افکار عمومی آمریکا ناشی از تلفات جنگ، افزایش هزینه و طولانی شدن زمان درگیری است که تحمل آنان را محدود می سازد.

گروهی دیگر از مردم آمریکا گزینه بهتری انتخاب می کنند و بر اجماع بین المللی و توسل به راه حل های دیپلماتیک تاکید دارند و طیفی دیگر از آنان درگیری نظامی را با بهره گیری از نیروهای ائتلاف و متحدین توصیه می کنند.

شهروندان آمریکایی عموماً دانش و اطلاعات کافی نسبت به مسائل جهان ندارند و زندگی مادی و منافع شخصی، اجازه پیگیری مستمر مسائل چالش انگیز جهان را به آنان نمی دهد. پروفیسور حمید مولانا یکی از صاحب نظران روابط بین الملل در همین رابطه بیان می کند که آمریکاییها به طور کلی اطلاعات و آگاهی های خوبی از جغرافیا، تاریخ و فرهنگ دیگران بویژه دنیای اسلام ندارند. در بررسی و مطالعه ای که توسط انجمن ملی جغرافیای آمریکا صورت گرفته از هر هفت جوان آمریکایی فقط یک نفر توانست کشور عراق را در نقشه ی خاورمیانه ای که به آنها ارائه شده بود پیدا کند. (روزنامه ی کیهان، ۱۴ آذر ۸۱، ص ۱۶)



افکار عمومی آمریکا بدون دلایل متقاعد کننده، دادن تلفات در خارج را چندان تحمل نخواهد کرد و از سویی دیگر، بدون وجود تهدیدی آشکار، دست یابی به تعریف جامعی از منافع ملی نیز مشکل و در نتیجه، در گیر شدن آمریکا در یک جنگ خارجی دشوار خواهد بود. (سنبل، ۱۳۸۲، الف، ص ۷)

به عقیده «مولر» هرگاه مردم آمریکا احساس کنند که منافع آنها در خارج از کشور به خطر افتاده یا یکی از هم پیمانان آنان مورد تجاوز یا تهدید قرار گرفته است، از رئیس جمهور خود به خاطر اقدامات سریع و فوری، اعم از سیاسی یا نظامی حمایت می کنند و زمانی که تلفات نیروهای آمریکا در جنگ رو به فزونی می نهد، مردم آن کشور خواستار پایان بخشیدن به جنگ و عقب نشینی می شوند (الیاسی، ۱۳۸۲، صص ۱۴-۱۳). بر اساس تحقیقات «شپرو» و «مهاجان» دو عامل نژاد و جنسیت، بر نگرش عمومی در باره استفاده از نیروی نظامی تاثیر دارد. زنان آمریکایی در مقایسه با مردان آن کشور، اطلاعات کمتری پیرامون مسائل نظامی دارند و به همان نسبت کمتر از مردان از مداخلات نظامی آمریکا در کشورهای دیگر حمایت می کنند. همچنین آفریقاییهای آمریکایی تبار و دیگر سیاه پوستان، کمتر از سفید پوستان از حضور نظامی آمریکا در کشورهای دیگر حمایت می کنند (الیاسی، ۱۳۸۲، ص ۱۳). شاید دلیل مخالفت سیاه پوستان، رگه های نژاد پرستانه ی حزب جمهوری خواه آمریکا باشد. «رمزی کلارک» وزیر سابق دادگستری آمریکا معتقد است که مردم در این کشور حاکم نیستند بلکه ثروت و کنسرسیوم ها بر کنگره حاکمند و رسانه ها نیز در خدمت انتشار نظریات کاخ سفید می باشند (روزنامه کیهان، ۱۴ آذر ۱۳۸۱، ص ۱۶).

«بردس» و «اولدندیک» به منظور مقایسه ی نظرات نخبگان و افکار عمومی آمریکا بر اساس اهداف مهم سیاست خارجی، تحقیقی انجام داده اند که بر اساس آن

اولویت و اهمیت مسائل و اهداف سیاست خارجی آمریکا از نظر توده‌ی مردم در مقایسه با نظر نخبگان متفاوت است. نظرات نخبگان و تاثیر آن برای دستگاه تبلیغاتی و عملیات روانی آمریکا اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا موجب کردن نخبگان و رهبران فکری، زمینه را برای متقاعد کردن افکار عمومی مهیا می‌کند (الیاسی، ۱۳۸۲، ص ۱۰). قابلیت تاریخ سازی نخبگان تا به آن اندازه است که آنها می‌توانند وضع موجود را عوض کنند. بنا به تحقیقات «میلز»، تصمیمات اصلی دولت آمریکا در دست تعدادی از مسؤولان نهادهاست (موسوی زاده، ۱۳۸۳، صص ۶۰-۵۹).

نخبگان آمریکا را می‌توان شامل نخبگان عمومی و حاکم دانست. بین اکثر نخبگان حاکم اعم از سیاستمداران و نظامیان از جمله ریچارد پِرل و دیوید فرام (از مشاوران بوش)، کاندولیزا رایس (مشاور امنیت ملی آمریکا)، دیک چنی (معاون رییس جمهور)، دونالد رامسفلد (وزیر دفاع)، پل ولفو ویتز (معاون پنتاگون) و ... اتفاق نظر و هماهنگی برای اجرای عملیات نظامی و تسخیر بغداد وجود داشت. آنان با موضع گیری هماهنگ و تحریف و فریب کاری، افکار عمومی آمریکا را به سمت اهداف سیاسی مورد نظر سوق دادند.

احزاب سیاسی و رسانه های آمریکا نیز با نظر سنجی و القای اطلاعات غلط، نخبگان عمومی را تحت تاثیر قرار دادند و از طریق آنان عملیات روانی را تقویت کردند.

از آنجا که میزان حمایت و پشتیبانی مردم در کسب نتیجه‌ی ناشی از جنگ، بسیار موثر می‌باشد، دستگاه حکومتی در مواقع ضروری، افکار مردم آمریکا را تحت تاثیر موضوعات هیجانی و محرک در طیف وسیعی از تبلیغات قرار می‌دهد و آنان را مطابق فرمول بندی و اهداف رهبران هدایت می‌کند. نخبگان حکومتی آمریکا با تسلط بر ابزار تبلیغ، و با سوژه های جذاب مانند آزادی، دفاع از منافع ملی، بشر



دوستی ، غرور ملی ، ارزشهای شهروندی ، ستایش فداکاری و ... و بر جسته سازی‌های مناسب افکار عمومی را فریب داده ، زمینه‌ی حمله‌ی نظامی علیه عراق را مهیا نمودند.

موضع گیری افکار عمومی آمریکا پیرامون مداخلات نظامی در گرانادا (۱۹۸۳) ۷۱ درصد، لیبی (۱۹۸۶)، ۷۷ درصد، سومالی (۱۹۹۳)، ۷۹ درصد، بوسنی (۱۹۹۳)، ۵۴ درصد و هائیتی (۱۹۹۴)، ۵۴ درصد موافق بوده است (الیاسی ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۵). آمار فوق بیانگر این مطلب است که عملیات روانی حاکمان آمریکا در حمایت افکار عمومی موثر بوده است؛ به طوری که همواره بیش از نیمی از مردم تابع نظر سیاست مداران خود در مداخلات نظامی هستند .

در جنگ سوم خلیج فارس شبکه های فراگیر تلویزیونی ، رادیویی و رسانه ها اطلاعات جهت داری را برای تأمین اهداف خود پردازش و با توجه به محصول نهایی مورد نظر حاکمان آمریکا، برای عموم مردم تعریف کردند .

رسانه های جمعی با استفاده از موضوعات هیجانی از قبیل مبارزه با تروریسم ، حقوق بشر و ... افکار عمومی آمریکا را به اوج برانگیختگی هیجانی رساندند . آنان با اشاره به پیروزیهای به دست آمده از جمله اخراج عراق از کویت در سال ۱۹۹۱، اشغال افغانستان و حذف طالبان ، نوید شکست حتمی و سریع صدام را دادند و باعث گرایش بیشتر افکار و اذهان به جنگ علیه عراق شدند .

در رابطه با درصد موافقان حمله نظامی آمریکا به عراق ، افکار عمومی از ۵۷ درصد پیش از جنگ به ۷۸ درصد حین جنگ افزایش یافت که نسبت زنان حامی جنگ بین ۱۰ تا ۱۵ درصد کمتر از مردان بوده است (الیاسی ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۴) . این مطلب بیانگر این است که عملیات روانی بر روی مردم آمریکا در حمایت از جنگ



علیه عراق تاثیر فراوانی داشته است و توانسته حدود ۷۸ درصد آنان را موافق جنگ طلبی دولت آمریکا نماید .

برخی از محورهای عملیات روانی آمریکا بر روی افکار عمومی که نشأت گرفته از موضع گیری مقامات و سیاست مداران آن کشور بوده و با تبلیغات وسیع و هماهنگ رسانه های جمعی اجرا گردید به شرح زیر می باشد :

۱-۱- ارائه ی چهره ی غیر انسانی از صدام

هدف آمریکا از حمله به عراق حذف صدام و دستگاه حکومتی تحت امر او بود و به همین دلیل بیشتر تبلیغات خود را برای مجاب نمودن افکار عمومی بر محور برجسته سازی جنایت های صدام ، قوانین حقوق بشر که توسط وی نقض شده بود و اینکه او منافع شهروندان آمریکایی را در آینده به خطر می اندازد قرار داد. بعضی از موضع گیریهای سیاست مداران آمریکایی که باعث تایید افکار عمومی شد و به عملیات روانی آنان اعتبار بیشتری داد به شرح زیر است :

الف- تبلیغ همکاری صدام با القاعده:

کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا در نشست ۵ فوریه ۲۰۰۳ در گزارشی به شورای امنیت ادعا کرد که القاعده و حکومت صدام دارای همکاری نزدیک با یکدیگر می باشند . (روزنامه جمهوری اسلامی ، ۷ اسفند ۱۳۸۱ ، ص ۷)
به دلیل آسیب های روحی و امنیتی ناشی از حادثه ۱۱ سپتامبر ، القای همکاری صدام با گروه های تروریستی مانند القاعده ، نفرت عمومی مردم آمریکا از صدام را افزایش داد.



ب- استفاده از مواد شیمیایی به دستور صدام در فاجعه حلبچه:

جامعه جهانی استفاده‌ی صدام از مواد شیمیایی را در گذشته تجربه کرده بود بنابراین در عملیات روانی آمریکا بارها به آن اشاره شده است .

ریچارد بوچر در کنفرانس خبری ۱۴ مارس ۲۰۰۳ هر گونه گزارشی را دال بر عدم مسئولیت عراق در بمباران غیر نظامیان حلبچه، پوچ و بی اساس دانست . (روزنامه جام جم ، ۲۵ اسفند ۱۳۸۱ ، ص ۲)

اظهارات صدام در مورد حمله به منافع آمریکا و تهدید به کارگیری سلاح های شیمیایی و متعاقب آن کشف محفظه های گاز شیمیایی خردل توسط بازرسان سازمان ملل بر ترس و دلهره مردم آمریکا افزود و رهبران این کشور با بزرگ نمایی این تهدید به عملیات روانی خود سازمان دادند .

ج- کشتار شهروندان عراقی:

کشتار مردم بی گناه حلبچه یکی از محورهای عملیات روانی آمریکا بود . علاوه بر آن کشتار شیعیان و کردهای عراقی در سال ۱۹۹۱ و شکنجه و آزار و اذیت زندانیان باعث شد که آمریکا در تبلیغات خود صدام را شخصی آدم کش ، وحشی و ناقض قوانین بین الملل معرفی کند. هر چند صدام به لحاظ شخصیتی به هیچ عنوان قابل دفاع نیست اما جنایت صورت گرفته توسط وی با اطلاع و حمایت سران آمریکا بوده که دارای خوی وحشیانه تری هستند .

۲-۱- معرفی صدام و حکومت بعث به عنوان عامل ناامنی خاورمیانه

یادآوری اشغال کویت توسط عراق در سال ۱۹۹۱ ، درگیری عراق با جمهوری اسلامی ایران بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ ، تمایل به تولید سلاحهای کشتارجمعی ، عقب ماندگی عراق و دور شدن این کشور از آزادی و دموکراسی به دلیل خشونت و



دیکتاتوری صدام از مواردی بود که آمریکا و انگلیس با استناد به آن حکومت بعث را عامل ناامنی در خاورمیانه معرفی کردند .

جک استراو وزیر امور خارجه انگلیس طی سخنانی در شورای امنیت اذعان می‌دارد که عراق تنها کشور جهان است که به پنج همسایه خود حملات موشکی داشته ، به دو کشور همسایه خود که هر دو مسلمان هستند حمله کرده است و صدها هزارتن از مردم بی گناه ایران ، کویت و خود عراق را بدون هر گونه توجیهی به قتل رسانده است (روزنامه رسالت ، ۲۷ بهمن ۱۳۸۱ ، ص ۱۳). جیمز ولسی رییس سابق سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) نیز خاورمیانه را مطابق خواست آمریکا ارزیابی نمی‌کند . به اعتقاد او خاورمیانه همچنان از دموکراسی مورد نظر آمریکا روی گردان است و آمریکا با عراق شروع کرده تا بتواند آن (دموکراسی) را به اطراف ترویج دهد (روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱ بهمن ۱۳۸۱ ، ص ۲).

۳-۱- حمایت از تروریسم

جرج بوش رییس جمهور آمریکا در یکی از سخنرانی‌های خود کشور عراق (به همراه ایران و کره شمالی) را به عنوان محور اهریمنی و شرارت که حامی تروریسم جهانی است قلمداد نمود. رهبران آمریکا سعی به ترویج این اندیشه در بین افکار مردم آمریکا و جهان داشتند که اگر صدام و حکومت بعث بر سر قدرت باقی بمانند، حوادثی مانند ۱۱ سپتامبر در هر نقطه از جهان امکان وقوع مجدد دارد. بر اساس یکی از نظر سنجی ها که توسط گالوپ ، شبکه تلویزیونی سی ان ان و روزنامه یو اس ای تو دی انجام گرفته ، ۸۶ درصد مردم آمریکا اظهار داشته اند که در صورت وجود شواهد متقاعد کننده مبنی بر ارتباط میان عراق و القاعده ، جنگ آمریکا علیه عراق توجیه پذیر خواهد بود (روزنامه جمهوری اسلامی ، ۲۷ بهمن ۱۳۸۱ ، ص ۱۶).



رسانه های آمریکا با دادن آمار و اطلاعات علاوه بر تقویت روحیه ی جنگ در آمریکا به تحریک افکار عمومی جهان پرداخته و برای رسانه های وابسته به خودشان در کشورهای متحد و ... خط تبلیغاتی مشخص می نمودند.

۴-۱- القای ترس

تجربه ۱۱ سپتامبر و اثرات روانی آن بر مردم آمریکا ، افکار عمومی را از خطر رژیم صدام ترساند به طوری که حکومت عراق ، تهدید جدی علیه منافع آمریکا قلمداد شد .

رهبران آمریکا با پیام های خود و همچنین اتخاذ تدابیر امنیتی پیرامون مراکز حساس، سعی بر افزایش نفرت عمومی از تروریسم و صدام داشتند. جورش بوش رییس جمهور آمریکا در یکی از این پیام ها از مردم آمریکا می خواهد از افزایش تدابیر امنیتی در کشور نگران نباشند و به خود ترس راه ندهند (روزنامه رسالت ، ۲۸ بهمن ۱۳۸۱ ، ص ۱۳) . این گونه پیامها احساس افکار عمومی آمریکا را برای یک تهدید مستمر حفظ کرده و باعث حمایت بیشتر مردم از عملیات نظامی علیه عراق شد .

۵-۱- توانایی حکومت صدام در تولید سلاحهای کشتار جمعی

روزنامه واشنگتن پست به نقل از تحلیل گران اطلاعات جاسوسی وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) می نویسد :

عراق برای تولید تسلیحات میکروبی بدون کمک خارجی کاملاً توانمند است و آزمایشگاههای بسیاری در قالب کامیون دارد (روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۲ بهمن ۱۳۸۱ ، ص ۶).

کشف محفظه های گاز شیمیایی خردل توسط بازرسان سازمان ملل ، عملکرد گذشته صدام در استفاده از گازهای شیمیایی در حلبچه و تهدیدات صدام در به کار



گیری عوامل شیمیایی ، باعث افزایش این اندیشه شد که عراق توانایی تولید سلاحهای کشتار جمعی دارد.

۶-۱- جنگ حیثیتی

یکی از سوژه های عملیات روانی برای تحریک افکار عمومی آمریکا ، ستایش غرور ملی بود. کشور عراق به دلیل یک دهه تحریم سازمان ملل از قبیل نفت در برابر غذا ، تخریب زیر ساخت های اقتصادی و تجهیزات نظامی در جنگ های قبلی عملاً دارای موقعیت امنیتی ، سیاسی و اقتصادی مناسبی نبود و حمله آمریکا به این کشور به لحاظ نظامی ارزش چندانی نداشت؛ اما در صورت عدم حمله ، غرور ملی آنان لگدمال شده و باعث ایستادگی کشورهای دیگر در مقابل زیاده خواهی های آمریکا می شد .

در همین ارتباط ریچارد پِرل (از مشاوران بوش) بازگشت بدون جنگ نظامیان آمریکایی را موجب بی اعتباری و بی قدرتی رییس جمهور جورج بوش می داند و مدعی می شود که اگر به عراق حمله نکنیم دیگر هیچ نشانی از اعتبار و قدرت برای رییس جمهور باقی نمی ماند و صدمه ای بزرگ برای آمریکا خواهد بود (روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۲ بهمن ۱۳۸۱ ، ص ۶).

هنری کسینجر مشاور اسبق امنیتی کاخ سفید ، حضور بیش از ۲۰۰ هزار نیروی نظامی آمریکا در خلیج فارس را برای سرنگونی رهبر عراق از نظر حیثیتی برای دولت آمریکا مهم می داند و معتقد است که آمریکا چاره ای جز حمله به عراق ندارد (روزنامه رسالت ، ۲۹ بهمن ۱۳۸۱ ، ص ۱۳).

رهبران آمریکا به دلیل فقدان مشروعیت در حمله نظامی ، غرور ملی شهروندان را در جهت اهداف خود تحریک کردند.



۲- افکار عمومی جهان

احساس همدردی با آمریکا پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، باعث شد عملیات روانی آمریکا بر روی افکار عمومی جهان بر اساس تغییر حقیقت مسأله شکل گیرد. رهبران آمریکا برای پیشبرد اهداف خود در خاورمیانه با استفاده از موج همدردی ایجاد شده، نقش قهرمان مبارزه با تروریسم را بر عهده گرفتند.

آمریکا برای اقناع و توجیه افکار عمومی جهان، سعی کرد به عملیات نظامی خود مشروعیت بخشد. این مشروعیت، به دنبال تقاضاهای افکار در جهان مبنی بر آزادی و دموکراسی واقعی، عدم یک جانبه‌گرایی، عدم برخوردهای دو گانه با مسأله‌ی تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی، با بحران مواجه شد.

سیاست مداران آمریکایی برای مجاب سازی ملل دنیا و تقویت ائتلاف علیه صدام از ادبیات سیاسی مانند مبارزه با تروریسم، خلع سلاحهای کشتار جمعی و آزادی مردم عراق استفاده کردند؛ هرچند موضع گیریهای افراطی آنان باعث ناکامی در جلب افکار عمومی جهان شد.

تبلیغات آمریکا این خط فکری را القا می‌کرد که کشور آنها به عنوان وزنه‌ی متعادل کننده و رهبر جهانی، باید توان و انرژی بیشتری را صرف نماید و در چالش‌های بین المللی مانند عراق با قدرت وارد عمل شود.

ریچارد آرمیتاژ معاون وزیر خارجه آمریکا با تمسک به موضوع تروریسم اظهار می‌دارد که القاعده نه فقط در شمال عراق که خارج از سلطه صدام است حضور دارد بلکه در داخل بغداد نیز در حال فعالیت است (روزنامه رسالت، ۱۲ بهمن ۱۳۸۱ ص ۱۶). شبکه چهارم رادیو بی بی سی نیز همسو با تبلیغات رسانه های آمریکا مدعی می شود که کارشناسان آنها به اسنادی دست یافته اند که حاکی از آماده سازی عراق برای استفاده از سلاحهای شیمیایی می باشد (روزنامه رسالت، ۵ بهمن ۱۳۸۱ ص ۱۳).



به دلیل فقدان اقدام آشکار و موثر صدام در نقض قواعد و حقوق بین‌الملل، مخالفت افکار عمومی با جنگ وسعت بیشتری یافت بخصوص اینکه دوره بحران تا شروع جنگ زیاد بود و نخبگان سیاسی و بعضاً دولتها همراهی بیشتری در مخالفت با جنگ داشتند. در این دوره، افکار عمومی نه با صدام و شیوه حکومتی او (که اوضاع وخیم اقتصادی و انسانی را بر مردمش تحمیل کرده بود) همدلی کردند و نه به جنگ علیه عراق اقبال و موافقت داشتند. افکار عمومی بیشتر به نفی جنگ پرداخت و در نهایت منجر به تضعیف ائتلاف بر ضد عراق شد؛ هر چند نتوانست مانع از آغاز آن شود (یزدان فام، ۱۳۸۲، ص ۳۱).

افکار عمومی جهان به گفتگوهای سیاسی و صلح که مخاطره کمتری نسبت به جنگ دارد گرایش دارند و عموماً گزینه‌ی جنگ را به عنوان آخرین راه حل و در چارچوب سازمان ملل پذیرا هستند.

در استفاده آمریکا از عملیات نظامی علیه عراق، افکار عمومی نگرانی‌هایی داشت که آنها را می‌توان در موارد زیر ریشه‌یابی نمود:

- الف- بی‌ثباتی منطقه در نتیجه‌ی اقدام آمریکا.
 - ب- ایجاد سلطه بر نظام بین‌الملل به خاطر اقدامات یک جانبه‌ی آمریکا.
 - ج- تقویت گروه‌های تروریستی بعد از این اقدام یک جانبه.
 - د- برخورد‌های سلیقه‌ای و دوگانه‌ی آمریکا با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی
 - ه- بحران اقتصادی احتمالی ناشی از جنگ
 - و- تلفات انسانی ناشی از جنگ در عراق
- نگرانی‌های مردم جهان در حرکت‌های صلح‌جویانه و تظاهرات ضد جنگ در کشورهای مختلف نمایان شد که به عنوان نمونه در زیر آورده می‌شود:



- حدود پنج هزار نفر از روشنفکران ، نویسندگان و هنرمندان فرانسوی با امضای طوماری هر گونه اقدام نظامی و احتمالی آمریکا علیه عراق را محکوم کردند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ بهمن ۱۳۸۱، ص ۱۶).

- بیش از ۳۰۰ تن از قانونگذاران ، سازمانهای مختلف و رهبران کلیسا از سراسر جهان طی نامه ای از جورج بوش رییس جمهور آمریکا و دیگر رهبران خواستند از حمله به عراق خودداری شود (روزنامه کیهان ، ۵ آذر ۱۳۸۱، ص ۱۶).

- پاپ ژان پل دوم رهبر مذهبی کاتولیک های جهان ضمن ابراز نگرانی از احتمال وقوع جنگ علیه عراق ، خواستار تلاش همگانی برای جلوگیری از آغاز جنگ شد (روزنامه کیهان ، ۷ دی ۱۳۸۱، ص ۱۶).

- بیش از ده میلیون نفر از ۶۰۰ شهر در ۱۶۰ کشور جهان در ۱۵ فوریه ۲۰۰۳ در اعتراض به جنگ علیه عراق دست به تظاهرات گسترده زدند (روزنامه جمهوری اسلامی ، ۲۷ بهمن ۱۳۸۱، ص ۱۶).

با وجودی که حمله نظامی آمریکا علیه عراق به وسیله بسیاری از کشورها و سازمانهای بین المللی تجاوز و اشغال غیر موجه نامیده شد، به دلیل عدم مقبولیت حکومت صدام در نظام بین الملل ، سرنگونی او به وسیله این تهاجم به عنوان دستاورد میمونی گرامی داشته شد و فشار سیاسی و اجتماعی جهانی را بر ضد آمریکا کم کرد (کاویانی ، ۱۳۸۲، ص ۷).

سیاست مداران آمریکا علاوه بر تبلیغ ارتباط حکومت صدام با القاعده، وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق ، اعمال خشونت صدام برضد مردم عراق و نقض قوانین بین المللی توسط او که قبلا به آن اشاره گردید ، عملیات روانی گسترده ای را بر روی محورهای زیر اجرا نمودند .



۱-۲ قطع نامه ۱۴۴۱ شورای امنیت

بر اساس منشور ملل متحد توسل به زور در روابط بین الملل، برای دفاع مشروع (طبق ماده ۵۱) و یا بر اساس قطع نامه شورای امنیت و زیر پرچم سازمان ملل جایز است. در قطع نامه‌ی ۱۴۴۱ به کارگیری زور در صورت عدم همکاری عراق پیش بینی شده بود و از آن دو تفسیر کاملاً متفاوت میان اعضای شورا وجود داشت. تفسیر نخست توسل به زور را به احراز عدم همکاری، از سوی شورا و صدور قطع نامه‌ی جدید منوط می دانست و تفسیر دیگر به توسل به زور بدون صدور قطع نامه‌ی جدید معتقد بود. دفاع مشروع تا حدی در مورد تجاوز عراق به کویت تطبیق می کند؛ اما در جنگ دوم این موضوع قابل توجیه نیست (یزدان فام، ۱۳۸۲، ص ۳۱).

در پی ناتوانی آمریکا در گرفتن مجوز جدید از شورای امنیت، رامسفلد وزیر دفاع این کشور با القای این مطلب که صدام به تلاشهای سیاسی و انواع فشارها پاسخ نداده و قطع نامه های سازمان ملل را نقض کرده است، سعی در جلب نظر دولت‌ها می‌کند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۸ اسفند ۱۳۸۱، ص ۱۶). این در حالی بود که سخنگوی آژانس بین المللی انرژی اتمی، همکاری عراق با این آژانس را خوب توصیف می‌کند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷ بهمن ۱۳۸۱، ص ۱۶).

کاندا لیزا رایس (مشاور امنیت ملی آمریکا) در بیان موضع کشورش، حمله به عراق را منوط به صدور قطع نامه‌ی جدید نمی داند و معتقد است که در قطع نامه‌ی ۱۴۴۱ عنوان شده که در صورت نقض مفاد آن، عراق باید عواقب وخیم آن را تحمل نماید (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ بهمن ۱۳۸۱، ص ۱۶).

سیاستمداران آمریکا هیچ وقت موفق به ارائه‌ی شواهد مستند به افکار عمومی جهان نشدند و عملیات روانی آنان در این زمینه ناکام ماند.



۲-۲- گزارش تسلیحاتی عراق به شورای امنیت

رژیم عراق در گزارش ۱۲ هزار صفحه ای خود سعی بر شفاف سازی ، جلب حمایت جهانی و تاخیر در عملیات آمریکا علیه خود داشت . رسانه های آمریکا و انگلیس ، گزارش عراق را کذب محض دانستند و مدعی داشتن مدارک جدیدی شدند که نشان می دهد عراق به سلاح اتمی دست یافته است.

طبق نظر سنجی ابتدای ژانویه ۲۰۰۳ سی ان ان ، حدود ۶۱/۵ درصد مردم آمریکا گزارش عراق را کذب دانستند (الیاسی ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۱).

کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا برای خنثی کردن اثر گزارش عراق می گوید: هیچ فردی واقعا ادعا نکرد که گزارش عراق کاملا درست بود . تمام ۱۲ هزار صفحه گزارش تسلیحاتی عراق، که با توسل به شیوه ها و دروغ های جدید، تلاش می شد تازه به نظر برسد، دروغ بود (روزنامه رسالت ، ۱۷ اسفند ۱۳۸۱ ، ص ۱۳).

۲-۳- موشکهای دور برد عراق

موشکهای دوربرد، بخصوص الصمود ۲ از دستاویزهای آمریکا برای حمله به عراق بود. حکومت صدام بارها از طریق بازرسان سازمان ملل اقدام به انهدام آنها نمود. برای مثال، خبرگزاری فرانسه انهدام چهار موشک الصمود ۲ را در اول مارس ۲۰۰۳ گزارش می دهد (روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۱ اسفند ۱۳۸۱ ، ص ۱۶). با این حال جورج بوش رییس جمهور آمریکا در مصاحبه با روزنامه یو اس ای تو دی اعلام می کند که ادعای عراق مبنی بر انهدام موشکهای الصمود ۲ را قبول ندارد (روزنامه رسالت ، ۱۱ اسفند ۱۳۸۱ ، ص ۱۳).



آمریکا با القای این که موشکهای دور برد عراق توازن قدرت در منطقه را از بین می‌برد، به برجسته سازی این مسأله پرداخته و آن را مخل امنیت آمریکا و کشورهای متحد ارزیابی می‌کند.

۴-۲ پیگیری قضیه فلسطین

در پی اعتراض‌های گسترده‌ی جامعه جهانی و به منظور جلب نظر سران کشورهای عربی، سیاستمداران آمریکایی وعده‌ی صلح دائمی را در خاورمیانه از طریق پیگیری مسائل مربوط به اسرائیل و فلسطینی‌ها می‌دهند.

طبق گزارش شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان بوش رییس جمهور آمریکا وعده می‌دهد که به اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها کمک خواهد کرد تا صلح در خاورمیانه برقرار شود. اظهارات ناگهانی بوش درباره صلح خاورمیانه، به منظور خشنود سازی کشورهای عربی و جلب حمایت آنها در حمله به عراق و همچنین خروج از انزوای بین‌المللی ارزیابی شده است (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ اسفند ۱۳۸۱، ص ۱۶).

۵-۲ تهدید علیه جامعه جهانی

همراهی دولتهای مختلف جهان با موج مخالفت افکار عمومی و ناکامی آمریکا در ارائه‌ی مدارک و شواهد مبنی بر نقض قوانین بین‌الملل توسط حکومت صدام، باعث شد تا آمریکا عملیات روانی خود را بر اساس تهدید، سازماندهی مجدد نماید. این تهدیدها بر روی کشورهای عربی و یا همسایه عراق، کشورهای عضو شورای امنیت و یا قدرتمند جهان (مانند فرانسه، روسیه، آلمان)، و سازمانهای بین‌المللی اجرا شد. بخشی از این تهدیدها به شرح زیر است:



- آمریکا به ۱۱ کشور عرب منطقه یک ماه مهلت داد تا موضع خود را در قبال حمله به عراق، بازسازی این کشور پس از براندازی صدام و میزان حمایت و کمک لجستیکی و امنیتی بیان کنند (روزنامه کیهان، ۲ آذر ۱۳۸۱، ص ۱۶).

- «ریچارد لوکار» رئیس کمیته امور خارجه آمریکا تهدید کرد اگر روسیه و فرانسه دستیابی به منافع نفتی عراق را می‌خواهند باید در حمله به عراق و تلاش برای سرنگونی صدام شرکت کنند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ بهمن ۱۳۸۱، ص ۱۶).

- «جورج بوش» رئیس جمهور آمریکا در ۲۳ فوریه ۲۰۰۳ گفت: شورای امنیت سازمان ملل متحد کمتر از دو ماه وقت خواهد داشت تا قطع نامه‌ی جدیدی که راه را برای آغاز جنگ بر ضد عراق هموار می‌کند تصویب کند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ اسفند ۱۳۸۱، ص ۱۶).

شاید حمله نیروهای آمریکایی و انگلیسی در خلال جنگ به کاروان دیپلماتیک روسی شامل سفیر و همراهان را بتوان به نوعی فشار بر روسیه تلقی نمود. آمریکا برای مشروعیت بخشیدن به عملیات نظامی خود و تقویت ائتلاف، تصویب قطع نامه از سوی شورای امنیت را ضروری می‌دانست؛ لذا با این تهدیدها تلاش می‌نمود از وتوی سایر اعضای شورای امنیت جلوگیری نماید.

۳- افکار عمومی عراق

عملیات روانی علیه مردم عراق، به دلیل حضور آنان در صحنه نبرد و داشتن سلاح و احتمال مقاومت ملی گرایانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. هدف آمریکا از حمله به عراق همان گونه که قبلاً بیان شد، حذف صدام و حکومت بعث و استقرار سیستم جدید بود. چون تامین این هدف با همکاری مردم امکان پذیر می



شد ، عملیات روانی آمریکا بر روی افکار عمومی مردم عراق، نقش اساسی و محوری یافت.

آمریکا دو هدف عمده را از اقدامات روانی در عراق دنبال می کرد :

الف- تلاش برای جدا نمودن صف مردم و نخبگان عراقی از صدام و حکومت بعثی او؛ تا بدین ترتیب مقاومت مردمی کاهش یابد و پیروزی آمریکا با کمترین تلفات میسر شود .

ب- ایجاد نظم و آرامش و همکاری مردم پس از خاتمه جنگ و جلب رضایت آنها با طرح شعارهای فریب کارانه ای مانند آزادی و دموکراسی؛ تا تلفات ناشی از شورش های مردمی بر ضد آنان به حداقل برسد.

آمریکا بین اکتبر ۲۰۰۲ تا ۱۱ آوریل ۲۰۰۳ (مهرماه ۸۱ تا ۲۲ فروردین ۸۲)، حدود پنجاه میلیون برگ اعلامیه روی عراق انداخت ، که حجم عملیات روانی آمریکا برای نابودی توان عراق هنوز نا معلوم است (کرد زمن ، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

آمریکا با اجرای جنگ روانی بر روی مردم و سربازان عراقی سعی در ایجاد بی اعتمادی در آنان نسبت به حکومت صدام داشت ، همچنین آنها تلاش می کردند تا این مطلب را به افکار عمومی مردم عراق تفهیم کنند که برای آزادی ، دموکراسی ، و نجات مردم از ظلم و بی عدالتی صدام، عملیات نظامی انجام می دهند .

محققانی همچون « فرید من » بر این باورند که عملیات روانی وسیع آمریکا علیه سربازان عراقی ، یکی از اثر بخش ترین روشهای مورد استفاده در به شکست کشاندن ارتش عراق است (الیاسی ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۴).



مردم عراق به دلیل ترس از حکومت صدام و تجربه ی شورش ۱۹۹۱ که آمریکا از آنان حمایتی نکرد، عملاً به نظاره ی جنگ نشستند و از هیچ کدام از طرفین درگیری حمایتی نکردند.

تطمیع بعضی از سران عشایر عراق، تقویت و هماهنگی بین گروههای مخالف صدام مانند مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، مجلس ملی عراق، حزب میهنی و حزب دموکرات و... از جمله اقدامات آمریکا بود تا از طریق آنان مقاومت مردمی را کاهش دهند.

رهبران آمریکا با استفاده از تکنولوژی پیشرفته ی ارتباطات، فرستنده های رادیویی و پخش اعلامیه در محورهای زیر عملیات روانی خود را سازماندهی و اجرا نمودند:

۱-۳- تبلیغ بر میزان توانایی نظامی و تکنولوژیکی نیروهای متحد و آمریکا

آمریکا با این شیوه عملیات روانی خود، سعی بر بیهوده نشان دادن مقاومت سربازان عراق داشت. همچنین این پیام را به عراقیها می داد که آنها با تجهیزات پیشرفته ای که در اختیارشان است، توانایی مقابله با حملات شیمیایی و میکروبی احتمالی را از جانب عراق دارند.

در یازدهم مارس، ایالات متحده با آزمایش بمب های ۲۱ هزار پوندی (بمب مادر) در پایگاه هوایی الگین در شمال غرب ایالت فلوریدا، فشار روانی خود را بر عراق دو چندان کرد. مقامات دفاعی آمریکا اعلان کردند که این آزمایش پیامی برای عراق در مورد قدرت نظامی آمریکا بوده است (فرید من، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳).

در همین رابطه روزنامه ایندپندنت چاپ لندن می نویسد:



تجهیزات نظامی که آمریکا در اقدام نظامی علیه عراق به کار خواهد گرفت به حدی پیشرفته و فوق مدرن هستند که برنامه ریزان نظامی اطمینان دارند که جنگ طی یک هفته به پایان خواهد رسید (روزنامه کیهان ، ۲۵ آذر ۱۳۸۱ ، ص ۱۶).

۳-۲) ایجاد شکاف بین سران نظامی و غیر نظامی با رهبری صدام

خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از روزنامه گاردین گزارش می دهد که شماری از نیروهای اطلاعاتی ویژه آمریکا به همراه میلیون ها دلار برای تطمیع سران قبایل عراقی و تحریک آنها علیه صدام وارد خاک عراق شدند. بر اساس این گزارش، سیا و وزارت امور خارجه آمریکا به دنبال ترغیب مقامات به جدا شدن از رژیم عراق هستند و احتمالاً پیشنهاد پست هایی به مقامات مهم در ارتش یا ساختارهای امنیتی در دولت جدید عراق داده خواهد شد (روزنامه کیهان ، ۲۵ آذر ۱۳۸۱ ، ص ۱۶).

نیویورک تایمز نیز به نقل از مسئولان پنتاگون می نویسد : کارشناسان جنگ الکترونیک حملاتی را با استفاده از پست الکترونیک علیه سیاستمداران برجسته و فرماندهان نظامی و اقتصاددانان عراقی آغاز کرده و آنان را به شورش علیه صدام و پراکنده شدن از اطراف وی تشویق نموده اند (روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۶ اسفند ۸۱ ، ص ۱۶).

آمریکا در پی این مطلب بود که صدام و اطرافیان وی را منزوی کند و آنان را در مبارزه با خود تنها بگذارد .

۳-۳) تبلیغ فرار نظامیان از خدمت

شبکه تلویزیونی «ان پی تی ان» گزارش می دهد که هواپیماهای جنگی آمریکا با فرو ریختن میلیون ها اعلامیه بر روی عراق ، سربازان این کشور را به فرار از خدمت

تشویق کرده اند و از آنها خواسته شده واحدهای محل خدمت خود را ترک کرده و به جمع خانواده های خود بپیوندند (روزنامه رسالت ، ۲۰ اسفند ۱۳۸۱ ، ص ۱۳).
درگیری های گذشته عراق با ایران ، تجاوز به کویت و متعاقب آن جنگ آمریکا و متحدین در سال ۱۹۹۱ ، نیروهای نظامی عراق را به شدت فرسوده نمود. آمریکا با آگاهی از خستگی نیروهای نظامی عراق ، عملیات روانی خود را بر این محور بیشتر تمرکز داد .

۳-۴) آسیب پذیری تانکها و تجهیزات نظامی عراق کشور عراق به دلیل تحریم های گذشته ، از نظر بازسازی و خرید تسلیحات نظامی در فقر شدید بود . آمریکا با برجسته سازی ضعف تجهیزاتی عراق و نقطه قوت خود در این زمینه ، سعی در کاهش مقاومت نیروهای عراقی داشت .

افسران آمریکایی ۱۴ مارس ۲۰۰۳ اعلام کردند : در صورت آغاز جنگ در عراق تانکهای « آبرامز ام ۱ » و هواپیماهای تهاجمی « ای . ۱ » این کشور برای نفوذ بهتر گلوله هایشان در زره پوش های عراقی، از مهمات حاوی اورانیوم ضعیف شده استفاده خواهند کرد (روزنامه رسالت ، ۲۵ اسفند ۱۳۸۱ ، ص ۱۳).

۳-۵) ترسیم ضعف اقتصادی خانواده های عراقی

آمریکا در این عملیات روانی با القا و برجسته سازی شکاف بین فقیر و غنی، مقامات دولتی و صدام را برای مملکت داری، بی کفایت قلمداد می کردند.
در دهم مارس ۲۰۰۳ هواپیماهای ائتلاف، اعلامیه هایی با این متن خطاب به مردم عراق پخش کردند: هنگامی که افراد خانواده ی شما تلاش می کنند تا زنده بمانند، صدام در آسایش و رفاه کامل به زندگی خود ادامه می دهد(فرید من، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲).



در یازدهم مارس ۲۰۰۳ نیز مجدداً در اعلامیه ای به مردم عراق تذکر داده شده بود که صدام در آسایش کامل به سر می‌برد، زندگی خود را به خطر نیندازید (فرید من، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳). در این اعلامیه ها زندگی راحت صدام با ضعف مالی و فقر مردم مقایسه شده بود و القای این مطلب را در بر داشت که ریشه ی عقب ماندگی اقتصادی مردم عراق به دلیل عملکرد غلط صدام و زیاده خواهی های وی بوده است.

۳-۶) قریب الوقوع بودن حمله

جورج بوش رییس جمهور آمریکا به صدام چند ساعت مهلت داد که یا عراق را ترک کند و یا با حمله روبه رو شود. (روزنامه رسالت، ۲۷ اسفند ۱۳۸۱، ص ۱) شبکه خبری فاکس نیوز نیز گزارش داد: بوش در سخنرانی خود در کاخ سفید به صدام و پسرانش ۴۸ ساعت فرصت داد تا عراق را ترک کنند و در صورت خوداری از ترک عراق با حمله نظامی روبه رو خواهند شد (روزنامه رسالت، ۲۸ اسفند ۱۳۸۱، ص ۱).

«جرمی گرینستوک» سفیر انگلیس در سازمان ملل با اعلام اینکه جنگ علیه عراق احتمالاً در روزهای آینده رخ می‌دهد (روزنامه رسالت، ۲۵ اسفند ۱۳۸۱، ص ۱۳) عملیات روانی رهبران آمریکا را تقویت نمود.

هدف آمریکا از این پیامها علاوه بر تضعیف روحیه رهبران عراق و ترس و دلهره در مردم، نوعی هشدار به سازمانهای بین المللی بود که حتی در صورت عدم تصویب قطع نامه ی جدید، آمریکا در حمله به عراق مصمم است و بدین ترتیب به نوعی تلاش می کرد فشار افکار عمومی جهان در نفی جنگ را کاهش دهد.

۳-۷) تبلیغ جدایی نیروهای مردمی و نظامی از حکومت صدام

رسانه های آمریکایی برای شکستن ابهت دیکتاتوری صدام و دادن جرأت به مردم برای ایجاد ناآرامی در شهرهای مختلف عراق به انتشار اخبار بعضاً نادرست

پرداختند. در یکی از این گزارشها آمده است که در طول ۲۴ ساعت گذشته نیروهای مردمی با نظامیان عراق درگیر شده اند، اخباری که توسط منابع مستقل تایید نشده ولی با هدف شکستن روحیه مدافعان بغداد طرح می گردد (روزنامه رسالت، ۱۹ فروردین ۱۳۸۲، ص ۱۳).

البته رهبران آمریکا چند ماه قبل از شروع جنگ، نیروهای مخالف صدام را برای شورش تحت آموزش نظامی قرار داده بودند.

در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ نیروی هوایی آمریکا اعلامیه هایی پخش می کند که در سمت راست آن تعدادی از تانکها و نفربرهای عراقی را با پرچمهای سفید در حال تسلیم شدن نشان می داد (فرید من، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶).

در اعلامیه های پخش شده توسط نیروهای آمریکایی، از فرهنگ مخاطبان و به دلیل تاثیر بیشتر تصویر بر ذهن مردم، از عکسها و تصاویر عراقی ها استفاده شده بود.

۳-۸) حمله برای آزادی مردم عراق

استفاده رهبران آمریکا از کلمات آزادی و دموکراسی یک تاکتیک عملیاتی برای مخدوش نمودن چهره صدام نزد افکار عمومی عراق بود. در عملیات روانی آمریکا دستیابی به آزادی و دموکراسی به عنوان یک آرمان مطرح می شده هر چند در ایجاد دموکراسی تزریقی و خشونت آمیز آمریکا، برای مردم عراق نقشی در نظر گرفته نشده و فقط توافقات آمریکا با بعضی از قدرتهای بزرگ در نظام بین الملل ملاک بود.

رهبران آمریکا سعی در بیان این مطلب داشتند که صدام به مردم کشورش ظلم و ستم می کند و ما برای آزادی مردم عراق از بی عدالتی صدام اقدام می کنیم.

بر اساس گزارش شبکه تلویزیونی الجزیره (قطر)، هواپیماهای سی ۱۳۰ آمریکا بیانه هایی در مناطق الرمیثه، الدیوانیه، و قوام الخمره پخش کرده اند که در آن



صدام به دلیل اقدامات دیکتاتوری در عراق مورد انتقاد قرار گرفته است (روزنامه کیهان، ۸ دی ۱۳۸۱، ص ۱۶).

اعلامیه با شماره ۰۳۶-IZD توسط نیروهای آمریکایی با این عنوان بر فراز عراق پخش شده بود: نیروهای متحدین آمده اند تا شما را از دست رژیم ظالم صدام آزاد کنند (فرید من، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶).

۹-۳) تبلیغ برای فرار کادر رهبری از عراق

همان گونه که قبلاً بیان شد هدف آمریکا حذف صدام و حکومت بعث عراق بود. رهبران آمریکا به دلیل هزینه های مالی و انسانی جنگ، تمام تلاش خود را کردند که (با تشویق و یا تهدید) صدام و کادر رهبری عراق، داوطلبانه حکومت را رها کرده و از کشور خارج شوند.

بر اساس گزارش شبکه تلویزیونی الجزیره قطر، وزارت دفاع آمریکا از طریق رادیو و بیانیه، نظامیان عراقی را تشویق به فرار از این کشور کرده است (روزنامه کیهان، ۸ دی ۱۳۸۱، ص ۱۶).

«دونالد رامسفلد» وزیر دفاع آمریکا در همین رابطه می گوید: در صورت کناره گیری صدام از حکومت، وی توصیه می کند شیوه ای برای پناهندگی به صدام و اعضای رهبری عراق و خانواده هایشان فراهم شود (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ بهمن ۱۳۸۱، ص ۱۶).

«بوش» رئیس جمهور آمریکا نیز در همین راستا بیان می کند: راضی کننده خواهد بود که صدام رئیس جمهور عراق تصمیم بگیرد به منظور جلوگیری از جنگ در عراق به تبعید برود تا عراق خلع سلاح شود (روزنامه جام جم، ۱۷ اسفند ۱۳۸۱، ص ۲).

اظهارات فوق با هدف ایجاد شکاف بین کادر رهبری عراق بیان شده بود.



۱۰-۳) تبلیغ حمله برای تغییر حکومت (نه حمله به مردم)

تبلیغات خوب، به مردم کشور مورد تهاجم حمله نمی کند (به دلیل کاهش مقاومت مردم و همکاری آنان بعد از پیروزی) ، بلکه حاکمان آن کشور را نشانه می گیرد . با توجه به این مطلب ، آمریکا در عملیات روانی خود سعی در جدایی مردم از حکومت داشت .

آمریکا برای کاهش تلفات غیر نظامی و جلب حمایت مردم ، تا حدی از حمله به تأسیسات برق خوداری کرد . هدف از انجام چنین اقداماتی ، ارسال این پیام به مردم عراق بود که آنها هدف نیستند ، بلکه سرنگونی رژیم عراق که دشمن مشترک به شمار می رفت هدف اصلی است (سنبل ، ۱۳۸۲ ب ، ص ۴۰).

در همین «رابطه ریچارد هالوی» ژنرال بازنشسته نیروی هوایی آمریکا گفته است: هدف ما حذف رهبری عراق است . بهترین راه برای انجام این کار از بین بردن ارتش این کشور نیست ، بلکه متقاعد کردن ارتش نسبت به این است که آنها به رهبری جدیدی نیاز دارند (سنبل ، ۱۳۸۲ ب ، ص ۴۰).

۱۱-۳) محاکمه نظامیان و سران عراق بعد از جنگ

سیاستمداران آمریکایی بارها صدام و سایر سران عراق را تهدید کردند که در صورت وقوع جنگ به عنوان جنایتکار و ناقض حقوق بشر محاکمه خواهند کرد . این موضع گیریها علاوه بر ایجاد ترس در کادر رهبری عراق ، اراده آنها را در مقاومت کاهش می داد . هدف دیگر رهبران آمریکا ارائه ی تصویر غیر انسانی صدام و کادر رهبری حزب بعث به مردم دنیا و در نتیجه حمایت بیشتر دولتها از ائتلاف جنگ علیه عراق بود .



دولت بوش نام دو هزار نفر از نخبگان حکومت بغداد و مقامات عراقی از جمله صدام و پسران او را منتشر کرد که در صورت اشغال بغداد به اتهام جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی محاکمه می شوند (روزنامه جام جم، ۲۶ اسفند ۱۳۸۱، ص ۱).

«دونالد رامسفلد» وزیر دفاع آمریکا در یک موضع گیری رسمی اعلام می کند: مقامات عراقی باید بلافاصله پس از پایان جنگ احتمالی علیه این کشور محاکمه شوند که محاکمه آنان در برابر دادگاههای نظامی انجام می شود (روزنامه رسالت، ۱۱ اسفند ۱۳۸۱، ص ۱۳).

در لیست های ارائه شده از طرف آمریکا نام بعضی از سران عراقی ملاحظه نشده که نشان از وابستگی و یا توافق آنها با آمریکا می باشد.

۱۲-۳) ایجاد رعب و وحشت

یکی از ترفندهای عملیات روانی، بزرگ نمایی جنگ آتی است. این شیوه بعضی اوقات باعث تسلیم شدن کشور مقابل بدون درگیری نظامی می شود. صدام بعد از کسب اطمینان از حمله آمریکا به عراق، کلیه ی خواسته های آنها را مشروط بر باقی ماندن بر اریکه ی قدرت پذیرفت و حتی همکاریهای خوبی با بازرسان سازمان ملل انجام داد با این حال چون به مهره ی بی ارزشی برای آمریکا تبدیل شده بود بایست از حکومت عراق کنار گذاشته می شد.

به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان مقامات و مردم عراق، پرتاب سه هزار بمب هدایت شونده بر روی اهداف سیاسی و نظامی عراق مد نظر بود. تعداد بمب ها و موشکهای پرتاب شده به سمت عراق دقیقاً مشخص نیست؛ اما در عمل، چنین استراتژی علیه عراق به اجرا در آمد (سنبل، ۱۳۸۲ الف، ص ۱۴).



روزنامه ساندی اکسپرس (انگلیس) در جهت تقویت عملیات روانی آمریکا مدعی می شود ، بمباران آینده عراق شدیدترین بمبارانی است که جهان به خود دیده است (روزنامه کیهان ، ۸ دی ۱۳۸۱ ، ص ۱۶).

۱۳-۳) عملیات روانی شوک و بهت

برای کاهش تلفات جنگ و فشار افکار عمومی ناشی از آن ، در جنگ های اخیر نیروهای آمریکایی کمتر به درگیری مستقیم مبادرت می ورزند ، بلکه با آتش سنگین تسلیحات نظامی، دشمن را تحت فشار قرار داده توان جنگیدن را در آنان کاهش می دهند.

در عملیات روانی شوک و بهت ، با وارد آوردن ضربات شدید به نیروهای دشمن در مراحل اولیه جنگ ، ذهنیت آنها را به این سمت سوق می دهند که مقاومت بی فایده است . بر اساس این استراتژی ، طی روزهای نخستین جنگ، صدها موشک و بمب هدایت شونده بر اهداف مهم سیاسی و نظامی عراق ریختند تا از نظر فیزیکی و روانی آنها را خسته کنند (سنبل ، ۱۳۸۲ ب ، ص ۳۹).

۱۴-۳) انتشار اخبار نادرست

رسانه ها و رهبران آمریکا برای اثرگذاری بر اراده ، درک و برداشت عراقیها و نهایتا مجبور کردن آنها به پذیرش خواسته ها و اهداف مورد نظر ، از شیوه فریب و دستپاچه سازی ، انتشار اطلاعات و اخبار گمراه کننده در سطح بسیار وسیعی استفاده کردند .

آمریکا در حيله ی نظامی خود چنین وانمود کرد که در نظر دارد چهار جبهه از سمت جنوب ، شمال، شرق ، و غرب به سمت بغداد بگشاید اما در عمل تنها یک جبهه ی فعال از سمت جنوب گشود . این در حالی بود که عراق خود را برای



رویارویی در چهار جبهه آماده کرده بود ، موضوعی که به پراکندگی نیروهای عراقی در سطح کشور و آسیب پذیری بیشتر آنها انجامید (سنبل ، ۱۳۸۲ الف ، ص ۱۱) .

وزارت دفاع آمریکا برای ایجاد شبهه و تزلزل در کادر رهبری عراق ادعا می کند که مدارکی در اختیار دارد که نشان می دهد اعضای خانواده مقام های بسیار ارشد عراق و صدام در صدد فرار از کشور هستند . آنها مدعی می شوند که از هنگام حمله ، صدام خود را نشان نداده و تنها نوارهای از قبل تهیه شده پخش گردیده است . مردم عراق باید از خود بپرسند رهبران آنها کجا هستند (روزنامه کیهان ، ۱۹ فروردین ۱۳۸۲ ، ص ۱۶) .

یکی از اقدامات روانی حین جنگ آمریکا ، ادعای ورود به بغداد بود . شبکه خبری سی ان ان و رویتر به نقل از فرماندهان آمریکایی مدعی شدند که نیروهای آمریکایی وارد بغداد شدند (۵ آوریل ۲۰۰۳) ، در حالی که در اواخر همان روز اعلام کردند هیچ نیرویی از نظامیان آمریکایی و انگلیسی در بغداد حضور ندارد (روزنامه رسالت ، ۱۷ فروردین ۱۳۸۲ ، ص ۱۳) .

نتیجه گیری :

در جنگ سوم خلیج فارس حجم وسیعی از عملیات روانی توسط آمریکا علیه عراق اجرا شد. به دلیل گرایش افکار عمومی جهان در دهه های اخیر به آزادی ، حقوق بشر، دموکراسی و خلع تسلیحات کشتار جمعی ، ادبیات به کار گرفته شده در عملیات روانی آمریکا بر اساس مفاهیم فوق بود .

رهبران آمریکا با استفاده از عملیات روانی توانستند مردم کشورشان را با جنگ علیه عراق همراه و هماهنگ کنند . نخبگان حاکم آمریکا با جهت دهی به رسانه ها و از طریق آنها ، افکار عمومی را با موفقیت به سمت اهداف خود سوق دادند .

همراهی و حمایت مردم آمریکا ریشه در اعتقادات مذهبی آنان ندارد و تحت فشار و تبلیغات رسانه ها ایجاد می شود. به همین دلیل در صورت طولانی شدن جنگ و افزایش تلفات ، حمایت آنها بشدت تحت تاثیر قرار می گیرد و کاهش می یابد که این موضوع را می توان نقطه ضعف در عملیات روانی آمریکا دانست .

نقاط قوت عملیات روانی بر روی افکار عمومی آمریکا را می توان به شرح زیر نام برد :

- وجود سیستم اطلاعاتی و تیم عملیاتی خلاق در داخل آمریکا
- تزریق بموقع و مناسب اطلاعات
- موضع گیری هماهنگ سیاستمداران و نخبگان حاکم و حمایت آنان توسط احزاب آمریکایی
- ارائه ی حجم وسیع اطلاعات و نظرسنجی ها برای کنترل اذهان مردم
- به کار گیری سوژه های جذاب، مطابق سلیقه و فرهنگ مخاطبان (مانند منافع ملی ، تروریسم و ...)
- ایجاد انگیزه و تشویق مردم برای پشتیبانی از جنگ
- ترغیب مردم آمریکا با نادیده گرفتن شأن انسانی کادر رهبری عراق
- عملیات روانی آمریکا نزد افکار عمومی جهان ناکام بود . بعضی از دلایل عدم موفقیت آمریکا در جلب افکار عمومی مردم جهان به شرح زیر است :
- اقدام یک جانبه و خارج از قطع نامه های سازمانهای بین المللی
- موضع گیری افراطی رهبران آمریکا و وارد کردن کشورهای دیگر مانند ایران و کره شمالی در معادله ی تروریسم
- بحران مشروعیت به دلیل نداشتن ادله ی کافی در اقدام آشکار صدام در نقض قوانین بین المللی



- تهدید کشورها و سازمانهای بین المللی
 - برخورد های دوگانه و سلیقه ای آمریکا با مقوله تروریسم ، حقوق بشر ، ...
 - تمایل مردم جهان به صلح و پرهیز از جنگ و خشونت
 - تلفات انسانی که به دلیل جنگ در عراق حادث می شود .
- در حالی که کشورهای جهان به سمت جهانی شدن حرکت می کنند، تهاجم یک جانبه ی آمریکا به عراق ، گویای این واقعیت است که فاصله زیادی تا دستیابی به این هدف وجود دارد که بتواند منجر به پایان جنگ میان ملتها و به گفتگوی دولت ها ختم شود.
- مقاومت مردم و نظامیان در مقابل تهاجم آمریکا نقش اساسی و محوری داشت . عملیات روانی آمریکا بر روی جدایی مردم و نظامیان از کادر رهبری عراق تمرکز داشت . آمریکا در عملیات روانی خود از ملی شدن جنگ و احساسات وطن دوستی مردم جلوگیری کرد . حجم وسیع اعلامیه های پخش شده در عراق برای کاهش مقاومت مردم و نظامیان بیانگر اهمیت موضوع می باشد. تکیه بر نقاط ضعف حکومت صدام ، دامن زدن به نارضایتی مردم ، ایجاد ترس و دلهره از جمله محورهای عملیات روانی آمریکا بود که باعث موفقیت آنان در جنگ شد .
- نظامیان و مردم عراق به دلیل تحمل شدائد و مصیبت های ناشی از عملکرد گذشته ی صدام در حمله به کشورهای همسایه و تحریم های سازمان ملل ، به شدت فرسوده بودند و زمینه ی اجرای عملیات روانی در آنها کاملاً مهیا بود. بنابر این ، عملیات روانی آمریکا بر روی نظامیان و مردم عراق با موفقیت اجرا شد و در پیروزی به دست آمده در فتح بغداد تاثیر بسزایی داشته است .



منابع:

۱. الیاسی ، حسین ، (تابستان ۱۳۸۲)، افکار عمومی آمریکا و عملیات روانی دستگاه حکومتی و تبلیغات آن برای مجاب سازی ، فصلنامه عملیات روانی ، شماره ۲ ، صص ۲۴-۷
۲. ایزدی ، پیروز، (۱۳۸۰) ، استراتژی آمریکا برای قرن جدید ، چاپ اول ، نشر دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران ، تهران
۳. حسینی ، حسین، (۱۳۷۷) ، تبلیغات و جنگ روانی (مجموعه مقالات)، چاپ دوم ، نشر پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین ۵ ، تهران
۴. روزنامه جام جم ، ۲۵ اسفند ۸۱
۵. روزنامه جام جم ، ۱۷ اسفند ۸۱
۶. روزنامه جام جم ، ۲۶ اسفند ۸۱
۷. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۷ اسفند ۸۱
۸. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱ بهمن ۸۱
۹. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۲۷ بهمن ۸۱
۱۰. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۲ بهمن ۸۱
۱۱. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۸ اسفند ۸۱
۱۲. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۵ بهمن ۸۱
۱۳. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۱ اسفند ۸۱
۱۴. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۲۵ اسفند ۸۱
۱۵. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۵ بهمن ۸۱
۱۶. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۵ اسفند ۸۱
۱۷. روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۶ اسفند ۸۱



۱۸. روزنامه رسالت ، ۲۷ بهمن ۸۱
۱۹. روزنامه رسالت ، ۲۸ بهمن ۸۱
۲۰. روزنامه رسالت ، ۲۹ بهمن ۸۱
۲۱. روزنامه رسالت ، ۱۲ بهمن ۸۱
۲۲. روزنامه رسالت ، ۵ بهمن ۸۱
۲۳. روزنامه رسالت ، ۱۷ اسفند ۸۱
۲۴. روزنامه رسالت ، ۱۱ اسفند ۸۱
۲۵. روزنامه رسالت ، ۲۰ اسفند ۸۱
۲۶. روزنامه رسالت ، ۲۵ اسفند ۸۱
۲۷. روزنامه رسالت ، ۲۷ اسفند ۸۱
۲۸. روزنامه رسالت ، ۲۸ اسفند ۸۱
۲۹. روزنامه رسالت ، ۱۹ فروردین ۸۲
۳۰. روزنامه رسالت ، ۱۷ فروردین ۸۲
۳۱. روزنامه کیهان ، ۵ آذر ۸۱
۳۲. روزنامه کیهان ، ۷ دی ۸۱
۳۳. روزنامه کیهان ، ۲ آذر ۸۱
۳۴. روزنامه کیهان ، ۲۵ آذر ۸۱
۳۵. روزنامه کیهان ، ۸ دی ۸۱
۳۶. روزنامه کیهان ، ۱۹ فروردین ۸۲
۳۷. ۳۷- روزنامه کیهان ، ۱۴ آذر ۸۱
۳۸. سنبل ، نبی ، (اردیبهشت ۱۳۸۲)، بررسی و ارزیابی استراتژی سلطه سریع در
تهاجم اخیر آمریکا به عراق ، ماهنامه نگاه ، شماره ۳۴ ، صص ۱۷-۴



۳۹. سنبلی ، نبی (فروردین ۱۳۸۲)، تهاجم نظامی به عراق ، اهداف ، استراتژی و تاکتیک ، ماهنامه نگاه ، شماره ۳۲ ، صص ۳۶-۴۷
۴۰. فرشچی ، علیرضا ، زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳ ، جنگ اطلاعات و عملیات روانی ، فصلنامه عملیات روانی ، شماره ۴ ، صص ۷-۱۴
۴۱. فرید من ، هربرت ای (تابستان ۱۳۸۲)، اعلامیه های هشدار دهنده بر فراز مناطق پرواز ممنوع عراق ، ترجمه مهدی کرکی ، فصلنامه عملیات روانی ، شماره ۲ ، صص ۱۳۶-۱۱۹
۴۲. کاویانی ، احمد (اسفند ۱۳۸۲ و فروردین ۱۳۸۳)، مبانی استراتژیک امنیت ملی ، ماهنامه زمانه ، سال سوم ، شماره ۱۸-۱۹ ، صص ۳-۹
۴۳. کرد زمن ، آنتونی (فروردین ۱۳۸۲)، درسهای فوری جنگ عراق ، ترجمه پریسا کریمی نیا ، ماهنامه نگاه ، شماره ۳۳ ، صص ۱۱-۲۳
۴۴. کریمی ، یوسف (۱۳۷۲)، جنگ روانی غرب علیه ایران ، سیاست دفاعی ، سال اول ، شماره ۲ ، صص ۱۸۹-۱۸۳
۴۵. متفکر ، حسین (۱۳۸۱) ، جنگ روانی ، چاپ اول ، نشر ستاد حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه ، تهران
۴۶. موسوی زاده ، علیرضا (بهار ۱۳۸۳)، نخبگان سیاسی و تئوری قدرت ، راهبرد ، شماره ۳۱ ، صص ۴۳-۶۳
۴۷. یزدان فام ، محمود (شهریور ۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی دو جنگ عراق و آمریکا ، ماهنامه نگاه ، شماره ۳۸ ، صص ۲۰-۳۳.